

واقعی
قصه‌های شیرین
کرونا
به قلم خبرنگاران خبرگزاری فارس

www.ketab.ir



قصه‌های واقعی شیرین کرونا

گردآورنده	:	خبرگزاری فارس
انتشارات	:	مؤسسه خبرگزاری فارس
نوبت چاپ	:	اول / ۱۴۰۲
شماره‌ها	:	۱۰۰ نسخه
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۷۳۲۰-۶۷-۹
مطابق جلد و صفحه‌آرایی	:	مرتضی بیگلری
چاپ و مصاحفی	:	پژدیس دانش
قیمت	:	۱۸۰.۰۰۰ تومان

معاونت آموزش و پژوهش خبرگزاری فارس: تهران، ضلع شمال شرقی تقاطع خیابان انقلاب اسلامی و خیابان حافظ، کوچه شهید سعیدی، معاونت آموزش و پژوهش خبرگزاری فارس، انتشارات خبرگزاری فارس | شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۹۱۱۶۶۱

www.Book.farsnews.ir

Email: publications@farsnews.ir

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.



مقدمه

زمستان، نفس‌های آخرش را می‌کشید. همه داشتند مقدمه‌چینی می‌کردند برای رسیدن بهار و نوروز. بچه‌ها خواب لباس نو و اسکناس‌های عیدی‌شان را می‌دیدند. مردها، برنامه سفر نوروزی می‌چیدند و زنان، خانه را برای پذیرایی از بهار، می‌تکاندند؛ اما روزگار، خواب دیگری برای بهار ۹۹ دیده بود. بلا، بی‌خبر آمد. بی‌مقدمه. با مصیبت و حسرت. ترسناک؛ مثل کابوس‌های نیمه‌شب بچه‌ها. سنگین؛ مثل خبر تلخ مرگی که از پشت تلفن، شانه‌های مردانه یک پدر را تکان می‌دهد. تکان‌دهنده؛ مثل زلزله‌ای که وسط لالایی‌های یک مادر برای کودکش، خوابشان را زیر آوار مصیبت، ابدی می‌کند.

چه فرقی می‌کند اسمش «کووید ۱۹» باشد یا «کرونا» صدایش بزنند؟ صدای مصیبتش، آن قدر بلند بود که در کمتر از چند هفته، همه دنیا را درگیر کرد. نمودارها و آمارها، روز به روز صعودی‌تر و ترسناک‌تر شدند و بلا روزه‌روز سنگین‌تر. دیگر جای «لباس نو» و «عطر شکوفه» و «عیددیدنی»، همه‌جا نقل «ماسک»، «ضدعفونی‌کننده» و «قرنطینه خانگی» بود. سی‌تی‌اسکن‌های ریه‌های سفید، خیلی‌ها را سیاه‌پوش کرد و اعلامیه‌های ترحیم و خاک‌سپاری‌های خلوت و بدون همراه، حجم مصیبت را دوچندان.

اما این، فقط یک روی سکه «کرونا» بود. اگر سیل مصیبت، زندگی آدم‌ها را ویران می‌کند، سیل مهربانی هم روح امید را دوباره به جانشان برمی‌گرداند. «بهار همدلی» بعد از زمستان سخت در راه بود. سیل انسانیت، به راه افتاد. خانه و مسجد و مدرسه و دانشگاه و حوزه برایش تفاوتی نداشت. همه تن‌ها یکی شده بودند تا کسی تنها نباشد. پول و اجاره‌بها و حقوق و پس‌انداز و خریدهای شب عید و حساب‌های بانکی، حالا دیگر برای خیلی‌ها بی‌اهمیت شده بود و بازار مهربانی، سکه.

زلزله محبت، حالا هر دلی را تکان می‌داد. پزشکی که جان‌ش را کف دست گرفته بود و در بخش ویژه کرونایی‌ها، حساب روز و شب از دستش دررفته بود. پرستاری که سه هفته کودک خردسالش را ندیده بود و از همان بیمارستان، دلتنگی‌اش را با اشک، روی دستکش‌های یکبارمصرف، خط‌خطی می‌کرد. نوعروسی که جای «لباس سفید عروس»، «گان سفید بیمارستانی» به تن کرده بود و روی صورتش جای فلان مدل «میکاپ»، رد سرخی و کبودی تجهیزات بیمارستانی را می‌شد دید. مددکاری که در کهریزک، آن قدر کار برای خودش و رسیدگی به آن همه پدر و مادر پیرو تنها تراشیده بود که حتی وقت نمی‌کرد توی تلفن همراهش از بی‌اعتنایی غربی‌ها به خانه سالمندان و آمار وحشتناک مرگ و میر در آن مراکز خبر بخواند. آن‌ها حالا «مدافعان سلامت» شده بودند در خط مقدم مبارزه با کرونا.



فهرست

- ۱- پزشکی که از مطبش کرونایی‌های اروپا را ویزیت می‌کند ۹
- ۲- پاکبان‌هایی که عمامه به سر داشتند ۱۷
- ۳- پزشکی که تا آخرین لحظه عمر، خودش را وقف مردم کرد ۲۳
- ۵- آتش به اختیارها در محله سبلان چه می‌کنند؟ ۳۱
- ۶- آخوندهایی که به خاطر ((کرونا)) از قم فرار کردند! ۴۷
- ۷- از خرید تا ضد عفونی کردن منازلتان را به ما بسپارید ۵۵
- ۸- از کرونا نترسیدیم و به کمک سیل زده‌ها آمدیم ۶۳
- ۹- آنها که مبتلایان به کرونا را در آغوش می‌گیرند ۷۱
- ۱۰- این جوان، «مدافعان سلامت» را به «مدافعان وطن» پیوند زد/لبخند پرستاران، مزه طرح‌های من بود ۷۹
- ۱۱- این جوان‌های دندانپزشک روایت ۳ هزار ماسک تولید می‌کنند ۹۱
- ۱۲- بسیجی‌ها چگونه با کرونا می‌جنگند؟ ۹۹
- ۱۳- تلاش شبانه‌روزی برای تولید «ماسک» / پابه‌پای پزشکان «کرونا» را شکست خواهیم داد ۱۰۷
- ۱۴- خاطرات نجات غریق که غسل قربانیان کرونا شد ۱۱۱
- ۱۵- تمام چیزهایی که باید درباره غسل و کفن و دفن فوت‌شدگان مبتلا به کرونا بدانید ۱۱۹
- ۱۶- بیماران اعصاب و روان در روزهای کرونایی چه می‌کنند؟ ۱۳۳
- ۱۷- با «توفان همدلی» به جنگ کرونا می‌رویم / از گروه‌های جهادی تا کارخانه اسباب‌بازی، پای کار تولید ماسک ۱۳۷
- ۱۸- روایت گمنامی نظافتچی‌ها/ چه کسی بیشترین دست‌مزد را از کرونایی‌ها می‌گیرد؟ ۱۵۱
- ۱۹- روز پدر برای پزشکی که یک ماه است خانه نرفته ۱۵۷
- ۲۰- سرهنگ گفت سرباز شما هستیم ۱۶۵